

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیٹال
www.noorfatemah.org

سیرت مهدی (ع) دولت مهدی (ع)

مصطفی دلشاد تهرانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولت مهدی علیه السلام سیرت مهدی علیه السلام

نویسنده:

مصطفی دلشاد تهرانی

ناشر چاپی:

دریا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	دولت مهدی علیه السلام سیرت مهدی علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	ظهور انقلابی
۷	یاران مهدی
۸	دولت آرمانی
۸	سیرت و سنت مهدی
۱۰	رفع موانع رشد و کمال مهدی
۱۰	آرمانهای اصلاحی
۱۱	دولت احیای زمین و آدمیان
۱۳	امنیت فراگیر
۱۴	سیرت اقتصادی
۱۷	سیرت فرهنگی
۱۸	سیرت اجتماعی
۱۹	سیرت مدیریتی
۲۰	سیرت فردی
۲۰	مؤسسه نور فاطمه زهرا سلام الله علیها

دولت مهدی علیه السلام سیرت مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان: دولت مهدی علیه السلام، سیرت مهدی علیه السلام. نام پدیدآور: مصطفی دلشاد تهرانی، ۱۳۳۴ مشخصات نشر: تهران: دریا، ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۶۸ص. شابک: ۵۰۰۰ریال: ۳-۰۶-۷۳۱۳-۹۶۴؛ ۷۰۰۰ریال (چاپ دوم) یادداشت: کتاب حاضر توسط نشر ذکر در سالهای مختلف نیز منتشر شده است. یادداشت: چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۷. یادداشت: کتابنامه: ص. [۶۳] - ۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: (م ح م د) بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق موضوع: مهدویت رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴د ۹د ۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۱۵۳۵۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم السلام على القائم المنتظر و العدل المشتهر، السلام على السيف الشاهر و القمر الزاهر و النور الباهر، السلام على ربيع الانام و نضرة الايام. [۱] سلام بر قائم منتظر و عدل پر آوازه، سلام بر شمشیر از نیام بر آمده و ماه تابان و نور درخشان، سلام بر خورشید تاریکی و ماه تمام، سلام بر بهار مردمان و خرمی زمان. عنوان دولت مهدی (ع) و سیرت مهدی (ع) از دیرباز مورد توجه و تامل بوده است و ذهن و اندیشه دوستداران حق و عدل را به خود مشغول می داشته است، اینکه دولت آن خورشید مغرب [۲]، چگونه دولتی است و سیرت آن بر پا دارنده عدل تمام، چگونه سیرتی است. آن دولتی که منتظران چشم امید بدان دارند و [صفحه ۶] آن سیرتی که دوستداران حق و عدل به آن دل سپرده اند، چگونه است. اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله. [۳] خدایا از تو امید داریم که دولت با کرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلس را با آن عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی. آن دولت کریمه و آن سیرت جلیله چگونه است که یادش نیز روشنی بخش دل منتظران است؟ هر انسانی به فطرت خود - که عشق به کمال مطلق است - خواهان آن دولت و آن سیرت است و سخن از آن، پاسخی به تمنای فطرت آدمی (حق خواهی و عدالت دوستی) است. پاورقی [۱] شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ ش. زیارت حضرت صاحب الامر، صص ۹۷۰ - ۹۶۹. [۲] ر. ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش. صص ۱۳۷ - ۱۳۶. [۳] دعای افتتاح، مفاتیح الجنان، ص ۳۲۶.

ظهور انقلابی

بنابر روایاتی مشهور که از پیشوایان معصوم وارد شده است، امام عصر (عج) به دنبال یک تحول انقلابی، دولتهای باطل و ستمگر را مضمحل می سازد و دولتی سراسر حق و عدل بر پا می کند، چنانکه در حدیث امام باقر (ع) آمده است: [صفحه ۷] اذا قام القائم ذهب دولة الباطل. [۱] هنگامی که قائم قیام می کند، هر دولت باطلی از بین می رود. در حدیثی که متفق فریقین است، از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: لو لم يبق من الدنيا الا- يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من اهل بيتي يملا الارض عدلا كما ملئت ظلما و جورا. [۲] اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از خاندان من خروج کند و زمین را پس از آنکه پر از ستم و بیداد شده باشد، پر از عدل و داد کند. این گونه است که دولت کریمه او بر پا می شود و آن حضرت با سیرت نیکوی خود همگان را از آب گوارای عدالت سیراب می سازد. آنچه در

ابتدا از باب براهه المطلاع [۳] نقل شد، گویای دولت مهدی (ع) و سیرت مهدی (ع) است. آن حضرت قائم منتظر است، منتظر، تا منتظران زمینه قیام و حکومت عدل را آماده سازند. آن حضرت، عدالت پر آوازه است، عدالتی که هر انسانی با روی کرد [صفحه ۸] به فطرت خود شیفته و فریفته آن است. ابوالعلاء معری حکیم و ادیب بزرگ در این باره چنین سروده است: متی يقوم امام يستقيد لنا فيعرف العدل اجبال و غيطان [۴]. آن پیشوایی که انتقام ما را [از ستمگران] خواهد گرفت کی قیام خواهد کرد؟ تا با قیام او کوهها و دشتهها طعم عدالت [واقعی] ره بچشند؟ پاورقی [۱] ابو جعفر محمد بن یعقوب الكليني، الكافي، صححه و علق عليه علی اکبر الغفاری، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۸۸ ق. ج ۸، ص ۲۷۸. [۲] ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، الغیبه، الطبعة الثانية، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۰۸ ق. ص ۱۱۲، و نیز ر. ک: ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، مکتبه الصدوق، طهران، ۱۳۹۵ ق. ج ۱، ص ۳۱۸، امین الاسلام ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مکتبه المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ ق. ج ۴، صص ۱۵۲، ۶۷. [۳] در علم بدیع اصطلاحی وجود دارد به نام حسن الابتداء یا براهه المطلاع یا براهه الاستهلال که از زیورهای کلام و شعر است. اگر خطیب و شاعر سخن خود را با عباراتی آغاز کند که رقیق و سهل و روشن و واضح از نظر معنی باشد و به گونه ای بیاورد که مستقل از آنچه بعد می آید بوده، مناسب مقام باشد و نیز جاذب و موثر بوده و معرف آنچه در ادامه سخن می آید باشد، این کلام دارای براهه المطلاع است. ر. ک: تقی الدین ابو بکر بن علی المعروف به ابن حجه الحموی، خزانه الادب و غایه الارب، شرح عصام شعیبو، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۷ م. ج ۱، ص ۱۹، محمد بن عبد الرحمن الخطیب القزوینی، الايضاح فی علوم البلاغه، شرح و تعلیق و تنقیح محمد عبد المنعم خفاجی، دار الکتب اللبنانی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ج ۲، صص ۵۹۵ - ۵۹۴، احمد الهاشمی، جواهر البلاغه، دار الکتب العلمیه، بیروت، صص ۳۴۲ - ۳۴۱. [۴] اللزومیات، الطبعة الثانية، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۶ ق. ج ۲، ص ۳۵۲.

باران مهدی

آن حضرت با شمشیری از نیام بر آمده قیام می کند و موانع عبودیت و کمال آدمیان را رفع و مقتضیات آن را فراهم می کند. جابر جعفی از امام باقر (ع) درباره ظهور انقلابی مهدی (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود که چون مهدی (ع) آید میان رکن و مقام نماز گزارد، آن گاه روی به مردم نماید و فریاد کند: الا انا نستنصر الله اليوم و کل مسلم. بدانید که امروز از خدا یاری می جویم و از مسلمانان. سپس امام باقر (ع) فرمود: [صفحه ۹] و یجی ء و الله ثلاثمائه و بضعه عشر رجلا فيهم خمسون امراه يجتمعون بمكة علی غیر ميعاد فزعا كفزع الخريف. [۱] به خدا سوگند سیصد و سیزده تن نزد او گرد می آیند که در میان آنان پنجاه زن هست. آنان بدون قراری از پیش، از این سوی و آن سوی مانند ابرهای پراکنده پاییزی به هم می پیوندند و در مکه به حضور مهدی می رسند. انقلاب آغاز می شود و سیصد و سیزده نفر به تعداد مجاهدان غزوه بدر گرد می آیند تا همان گونه که شرک و اشرافیت و ستمگری به دست مبارک پیامبر و پیروانش شکسته شد، این بار پایان پذیرد و دولت عدالت بتمامه رخ نماید. البته آنان فرماندهان و کارگزاران اصلی امام (ع) و دولت او هستند. ابوبصیر روایت کرده است که مردی از اهل کوفه از حضرت صادق (ع) پرسید چند نفر با قائم (ع) قیام می کنند؟ زیرا مردم می گویند آنان به تعداد شرکت کنندگان در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده نفر هستند. حضرت فرمود: ما یخرج الای قوه، و ما یكون اولوا القوه اقل [صفحه ۱۰] من عشرة آلاف. [۲] او قیام نمی کند مگر با افراد صاحب قوت و این افراد صاحب قوت کمتر از ده هزار نفر نیستند. بنابر این تعداد یاران حضرت صاحب الامر (ع) منحصر به سیصد و سیزده نفر نیست، بلکه آنان پرچمداران و فرماندهان آن حضرت و نخستین کسانی هستند که به او می پیوندند، [۳] چنان که خبر مفضل بن عمر از امام صادق (ع) بر آن صراحت دارد: کانی انظر الی القائم علی منبر الکوفه و حوله اصحابه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا عده اهل بدر، و هم اصحاب الالویه و هم حکام الله فی ارضه علی خلقه. [۴] گویا قائم را می بینم که روی منبر کوفه نشسته

است و یارانش که به تعداد مجاهدان زوه بدر سیصد و سیزده نفرند، دور او را گرفته اند، و آنان پرچمداران او و حکمرانان الهی در زمین بر خلق او هستند. آنان با قوتی الهی قیام می کنند و دولت مستضعفان صالح را بر پا می دارند که اراده الهی چنین است: و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين. [۵]. [صفحه ۱۱] و ما اراده داريم که بر مستضعفان زمین منت گذاريم و آنان را پیشوایان و وارثان [حکومت روی زمین] قرار دهيم. آنان از هر عیب و آفتی بری خواهند بود و دلهايشان چون پاره های پولاد خواهد بود. سیادت و دولت حق از آن ایشان خواهد شد. از امام سجاد (ع) روایت شده است که فرمود: اذا قام قائمنا اذهب الله عز و جل عن شيعتنا العاهه، و جعل قلوبهم كزبر الحديد، و جعل قوه الرجل منهم قوه اربعين رجلا و يكونون حكام الارض و سنامها. [۶] چون قائم ما قیام کند، خداوند عیب و آفت را از شیعیان ما برطرف کند، و دلهای آنان را چون پاره های پولاد سازد، و به هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد دهد، و آنان حاکمان و سروران زمین خواهند بود. پاورقی [۱] ابو النصر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی المعروف بالعیاشی، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم الرسولى المحلاتی، المكتبه العلمیه الاسلامیه، طهران، ج ۱، ص ۶۵، هاشم بن سلیمان الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ج ۱، ص ۱۶۴. [۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴، محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، الجامعه لعلوم الاثمه الاطهار، الطبعة الثالثه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق. ج ۵۲، ص ۳۲۳. [۳] ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳ (بیان علامه مجلسی ذیل حدیث یاد شده). [۴] کمال الدین، ج ۲، صص ۶۷۳ - ۶۷۲، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶. [۵] قرآن، قصص / ۵. [۶] ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، الخصال، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، مکتبه الصدوق، طهران، ۱۳۸۹ ق. ج ۲، ص ۵۴۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

دولت آرمانی

دولت مهدی، دولت تحقق آرمانهای انسانی و تلاش انبیای الهی است. انبیای الهی پی در پی برانگیخته شدند تا آدمیان را تربیت فطری نمایند و موانع کمال آنان را بردارند و با ایجاد عدالت زمینه [صفحه ۱۲] عبودیت الله را فراهم سازند و عقلها را کامل کنند. امیر مومنان علی (ع) فرموده است: و بعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیائه لیستادوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول. [۱] پیامبرانش را در میان ایشان برانگیخت و پی در پی فرستادگان خود را به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از ایشان مطالبه نمایند و نعمتهای فراموش شده را به یاد آنان آورند و با ابلاغ دستورهای خدا حجت بر ایشان تمام کنند و گنجهای پنهانی عقل ها را آشکار سازند. پاورقی [۱] ابو الحسن محمد الشریف الرضی، نهج البلاغه، ضبط نصه و ابتکر فهارسه العلمیه صبحی الصالح، الطبعة الاولى، دار الکتب اللبنانی، بیروت، ۱۳۸۷ ق. خطبه ۱.

سیرت و سنت مهدی

این رسالت با دولت مهدی (ع) به کمال می رسد و آن حضرت مردمان را به سیرت و سنت رسول خدا (ص) هدایت می کند و آن چه را که خواست پیامبر خاتم بوده است، محقق می سازد. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل شده است: سنته سنتی، یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهم الی کتاب ربی عز و جل. [۱] سیره و سنت او (مهدی)، سیره و سنت من است. [صفحه ۱۳] مردم را بر دین و آیین من راست خواهد کرد و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند. سیرت آن حضرت چون سیرت رسول خدا (ص) است. جاهلیت را ریشه کن می کند و اسلام را از نو آن سان که بنیانگذار اسلام آورده بود، بر پا می سازد. عبدالله بن عطاء ملکی گوید از امام صادق (ع) درباره سیرت مهدی (ع) پرسیدم که چگونه است. حضرت فرمود: یصنع کما صنع رسول الله (ص)، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله (ص) امر الجاهلیه، و یستأنف الاسلام جدیدا. [۲] همان گونه که رسول خدا (ص) عمل

کرد، عمل می کند، آنچه را پیش از او بوده است نابود می سازد، همان گونه که رسول خدا (ص) جاهلیت را نابود کرد، و اسلام را از نو می آورد. همچنین ابو خدیجه از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: اذا قام القائم (ع) جاء بامر جدید کما دعا رسول الله (ص) فی بدو الاسلام الی امر جدید. [۳] چون قائم (ع) قیام کند، امری جدید می آورد چنانکه [صفحه ۱۴] رسول خدا (ص) در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد. اینکه مهدی (ع) به سیرت رسول خدا (ص) عمل می کند، بدین معناست که جاهلیتی را که مجددا بر پا شده است از بین می برد و چون پیامبر عدالتی راستین را بر پا می دارد. محمد بن مسلم گوید از امام باقر (ع) درباره قائم (عج) پرسیدم که چون قیام کند، به کدام سیرت در میان مردم عمل می کند؟ حضرت فرمود: بسیره ما سار به رسول الله (ص) حتی یظهر الاسلام. قلت: و ما کانت سیره رسول الله (ص)؟ قال: ابطل ما کان فی الجاهلیه و استقبل الناس بالعدل، و کذلک القائم (ع) اذا قام یبطل ما کان فی الهدنه مما کان فی ایدی الناس و یتقبل بهم العدل. [۴] به سیرتی عمل می کند که رسول خدا (ص) عمل کرد تا اسلام را آشکار [و حاکم] ساخت. گفتم: سیرت رسول خدا (ص) چه بود؟ فرمود: آنچه را که در جاهلیت بود، از بین برد و با مردم به عدالت رفتار کرد، و همین گونه است قائم (ع) که چون قیام کند آنچه را که از روابط ناعادلانه در میان مردم است از بین ببرد و با ایشان به عدالت رفتار کند. البته سیرت رسول خدا (ص) برای رسیدن به اهداف [صفحه ۱۵] اصلاح طلبانه بر رحمت و گذشت استوار بود تا مردمان آرام آرام به حق گرایش یابند و اصلاحات اجتماعی تحقق یابد، اما تا زمان ظهور مهدی (ع) همه حجتها تمام می شود و آن حضرت برای تحقق اهداف اصلاح طلبانه خود دیگر بر اساس رحمت و گذشت عمل نمی کند، زیرا دیگر جایی برای رحمت و گذشت نیست و از هیچ کس عذر و بهانه ای پذیرفته نمی شود. زراره گوید به امام باقر (ع) گفتم: نام صالحی از صالحان را برایم بیان کن، و منظورم قائم (ع) بود. فرمود: نام او نام من است. گفتم: آیا به سیرت محمد (ص) رفتار می کند؟ فرمود: هیئات، هیئات یا زراره، ما یسیر بسیرته - قلت: جعلت فداک لم؟ قال: ان رسول الله (ص) سار فی امته بالین کان یتالف الناس و القائم (ع) یسیر بالقتل، بذلک امر، فی الکتاب الذی معه ان یسیر بالقتل و لا یتتیب احدا، ویل لمن ناواه. [۵] هیئات، هیئات، ای زراره - به سیرت پیامبر رفتار نمی کند. گفتم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا پیامبر در میان امت خود به ملایمت رفتار می کرد و می کوشید محبت مردم را در راه دین جلب کند و تالیف قلوب نماید، امام قائم با شمشیر و قتل با مردم [صفحه ۱۶] رو به رو می شود. در کتابی که با اوست بدو چنین فرمان داده شده است (خدا به او این گونه فرمان داده است) که بکشد و توبه ای از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با مهدی بستیزد. بنابراین سیرت انقلابی و اصلاحی مهدی (ع) بر کشتن تباهاگران و ستمگران استوار است و دیگر از کسی توبه ای پذیرفته نمی شود که پیش از آن همه حجتها تمام شده است. استاد محمدرضا حکیمی در این باره می نویسد: آری، این چنین است: شمشیر. دیگر، روزگار موعظه و خواهش تمام می شود. از قدیمترین روزگاران که پیامبران آمدند، همواره، بشر را موعظه کردند، و راه نمودند، و راه نمودند، و درخواست کردند که: مومن باش، و عمل صالح به جای آر. و دیدیم که بشر چقدر گوش به آن سخنان داد، و چگونه انبیا و اولیا را از دم تیغ گذرانید. اما روزگار مهدی، روزگار خوار ساختن زور داران است. بشر قدرتمند فاسد و جانی و درنده، چقدر نوامیس خدا را هتک کرد، و چقدر محرومان و ناتوانان و مستضعفان را پایمال ساخت، و چقدر زمین را از ستم و فساد آکنده نمود؟ - مهدی (ع) که بیاید [صفحه ۱۷] دیگر این چنین نخواهد بود... دیگر، آن روزگار نخواهد بود که پیامبران و امامان و مصلحان، مردمان را موعظه کنند و ارشاد نمایند، و از آنان بخواهند که مومن و صالح باشند، و ستم و گناه مرتکب نشوند. و بسیار کسان گوش ندهند، و سرگرم جنایت و فساد باشند... پیامبران را بکشند، سنتهای آنان را محو کنند، مصلحان را زهر خوراندند، نیکان و پاکان را نابود سازند، و صحنه هایی چون صحنه عاشورا پدید آورند. هیئات، هیئات، یسیر بالقتل و لا یتتیب احدا. شمشیر در میان نابکاران نهد، و از احدی توبه نپذیرد. و بدین گونه ماهیت زمان را تطهیر کند، و انسانیت خرد شده را زنده سازد، و والایها را حاکم نماید، و پستی ها را از میان بردارد. بشر، در گذشته خویش، امتحان خوبی نداده است. ممنوع خود را، برای امیال و هوسهای سبعانه خود، پایمال کرده است.

باید انتقام پس دهد. و مهدی، دست انتقام خدایی است. مهدی، دشمن خونریز مستکبران و فاسدان است، و یار دلسوز فروتنان و مستضعفان و پاکان. مهدی، آن قدر بکشد که مردم بگویند: این مرد، از [صفحه ۱۸] آل محمد نیست. اگر از آل محمد بود، این اندازه خون نمی ریخت. اما او از آل محمد است، یعنی: آل حق، آل عدالت، آل عصمت و آل انسانیت. و همین است که برای فرا آوردن انسانیت هضم شده، و عدالت به خون خفته، و حق خاک شده، و عصمت هتک گشته می کشد. او می کشد اما درندگان را، او می کشد خون خواران را، که تا پیش از ظهور او خود مشغول آدمکشی و خونخواهی بودند، و سر سوزنی به کشته شدگان خود نمی اندیشیدند، و لحظه ای به آن همه خون ناحق که ریخته بودند فکر نمی کردند. او این جانیان را می کشد. از شمشیر مهدی، برای خون آشامان پست، و درندگان متمدن، و ابرقدرتان نا انسان، خون و مرگ می بارد، و برای انسانیت درد کشیده خرد شده، رحمت و حیات. شمشیر مهدی، سیف الله است، سیف الله المنتقم. شمشیر مهدی، شمشیر انتقام از همه جانیان است، در طول تاریخ [۶]. [صفحه ۱۹] پاورقی [۱] کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱. [۲] محمد بن ابراهیم النعمانی، الغیبه، مکتبه الصدوق، طهران، ص ۲۳۱، بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۵۳ - ۳۵۲. [۳] محمد بن النعمان البغدادی الملقب بالمفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، صححه و اخرجه السيد کاظم الموسوی المیاموی، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۷۷ ق. ص ۳۴۳، ابو الحسن علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ ق. ج ۲، ص ۴۶۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸. [۴] ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۹۰ ق. ج ۶، ص ۱۵۴، محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بتصحیح و تحقیق و تذیل عبد الرحیم الربانی الشیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۱، ص ۵۷. [۵] غیبه النعمانی، ص ۲۳۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳. [۶] خورشید مغرب، صص ۴۶ - ۴۴.

رفع موانع رشد و کمال مهدی

با برداشتن سدهای راه کمال بشر و از بیخ و بن کندن خارهای راه رشد انسانیت، زمین را سراسر عدل و داد می کند و این تحول انقلابی جز با کشتن بیدادگران ضد دین و بشر، و ستمگران و مزدوران مدعی دین و دینداری میسر نمی شود. ابوالولید طرائفی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرموده: یملاها قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و عدوانا، یسیر فی اهل القبله بسیره علی بن ابی طالب (ع) یقتل اعداء الله حتی یرضی الله [۱]. زمین را سراسر قسط و عدل می کند همان گونه که سراسر ستم و دشمنی شده بود، درباره اهل قبله به سیرت علی بن ابی طالب (ع) رفتار می کند، دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی گردد. سیرت انقلابی مهدی (ع) اقتضا می کند که با تحریف کنندگان دین و مدعیان آیین و فساد کنندگان بر زمین با شدت برخورد نماید، ملامت و سرزنش دشمنان او را از مقصد اصلاحی باز ندارد و اسلام را سامانی جدید بخشد و به روشی انقلابی حکم کند. [صفحه ۲۰] ابوبصیر از امام باقر (ع) چنین روایت کرده است: یقوم الائمه بامر جدید و کتاب جدید و قضاء جدید، علی العرب شدید، لیس شانه الا سیف لا یستتیب احدا و لا یاخذ فی الله لومه لائم. [۲] قائم به امری جدید و کتابی جدید و قضایی جدید قیام کند، بر عرب سخت گیرد و فقط شمشیر را شناسد. او از کسی توبه نپذیرد و [در راه تحول انقلابی خود] نکوهش احدی را نشود. پاورقی [۱] غیبه الطوسی، ص ۳۲. [۲] غیبه النعمانی، ص ۲۳۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

آرمانهای اصلاحی

با چنین سیرت انقلابی است که ستم و بیداد ریشه کن شود و عدالت رخ نماید و امنیتی همه جانبه - که لازمه رشد و کمال همه جانبه است - حاکم گردد، چنانکه در خبری از امام صادق (ع) و یژگیهای دولت آن حضرت چنین آمده است: اذا قام القائم حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور، و امت السبل، و اخرجت الارض برکاتها، و رد کل حق الی اهله، و لم یبق اهل دین حتی یظهروا

الاسلام، و يعترفوا بالايمان، اما سمعت الله سبحانه يقول: و له اسلم من في السموات و الارض طوعا و كرها و اليه يرجعون. [۱] و حكم بين [صفحه ۲۱] الناس بحكم داود، و حكم محمد (ص)، فحينئذ تظهر الارض كنوزها و تبدى بركاتها، و لا يجد الرجل منكم يومئذ موضعا لصدقته و لا لبره، لشمول الغنى جميع المومنين. [۲] هنگامی که قائم قیام کند، به عدل حکم نماید و در روزگار او بیداد بتمامه نابود گردد و راهها امن شود و زمین برکات خود را آشکار سازد و هر حقی به صاحبش برگردانده شود و هیچ پیرو دینی نماند مگر آنکه به اسلام درآید و با ایمان شناخته شود، نشنیده ای که خدای سبحان می فرماید: هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه او را گردن نهاده است، و همه به سوی او باز گردانده می شوند. و [مهدی] در میان مردم به روش داوود و محمد (ص) حکم کند. آن هنگام زمین گنجهای خود را آشکار سازد و برکاتش را ابراز دارد و همگان چنان بی نیاز شوند که چون کسی بخواهد صدقه ای دهد و بخشش نماید، مستحقی نیابد. بدین ترتیب با ظهور دولت مهدی (ع) و تحولی اساسی، همه آرمانهای اصلاحی بشر تحقق می یابد. عدالت بتمامه طلوع می کند، بیداد بکلی غروب می نماید، امنیت در همه وجوهش بر سر مردمان سایه [صفحه ۲۲] می افکند، دیانت حکومت می یابد، برکات بتمامه آشکار می گردد و همگان بی نیاز می شوند. در پهنه تاریخ، پیوسته آرمان مصلحان این بوده است که شر و بدی را پس زنند و خیر و نیکی را میدان دار نمایند، مردمان را از بندگی غیر خدا خارج سازند و به بندگی خدا سیر دهند و روابط اقتصادی و اجتماعی را به سامانی آرمانی درآورند و امنیتی همه جانبه برای شکوفا شدن استعدادهای آدمی فراهم سازند. با برپایی دولت مهدی (ع) این آرمانهای اصلاحی که یادش نیز شور آفرین و تحرک زاست، محقق می شود. از امیر مومنان (ع) در توصیف دولت مهدی (ع) چنین نقل شده است: يذهب الشر و يبقى الخير و يذهب الزنا و يذهب الربا و يقبل الناس على العبادات و الشرع و الديانة و الصلوة في الجماعات و تطول الاعمار و تودی الامانات و تحمل الاشجار و تتضاعف البركات و تهلك الاشرار و تبقى الاخياره. [۳] بدی از بین می رود و نیکی برقرار می ماند، و زنا از بین می رود و ربا محو می شود و مردم به عبادات و شرع و دینداری و نماز با جماعت روی می کنند و عمرها [صفحه ۲۳] طولانی می گردد و امانتها ادا می شود و درختان پر بار می شوند و برکتها چند برابر می گردد و بدان نابود می شوند و نیکان برقرار می مانند. پاورقی [۱] قرآن، آل عمران / ۸۳ [۲] الارشاد، صص ۳۴۴ - ۳۴۳، كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵، بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۳۹ - ۳۳۸. [۳] لطف الله الصافي الكلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، الطبعة الثالثة، مكتبة الصدر، طهران، ص ۴۷۴.

دولت احیای زمین و آدمیان

اینها نتایج و ثمرات دولت عدل است که عدالت زنده کننده همه چیز است و دولت مهدی (ع)، دولت احیای زمین و آدمیان است. آن حضرت زمین را به عدالت زنده می سازد و با حاکم کردن دین حق، مردمان را زنده می کند. شیخ صدوق (ره) به اسناد خود از عبدالرحمن بن سلیط از حضرت حسین (ع) روایت کرده است که فرمود: منا اثنا عشر مهديا اولهم امير المومنين على بن ابي طالب، و آخرهم التاسع من ولدی، و هو الامام القائم بالحق، يحيي الارض بعد موتها، و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون. [۱] از [خاندان] ما دوازده هدایتگر هستند که نخستین ایشان امیر مومنان علی بن ابی طالب و آخرینشان نهمین فرزند من است، و او امام قیام کننده به حق است، زمین را پس از مردن آن زنده کند و دین حق را [صفحه ۲۴] بر همه ادیان چیره گرداند، هر چند که مشرکان خوش ندارند. این وعده حتمی خداست که فرمود: اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها. [۲] بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. از امام باقر (ع) درباره این آیه شریفه چنین روایت شده که فرمود: يحييها الله عز و جل بالقائم (ع) بعد موتها - بموتها کفر اهلها - و الکافر ميت. [۳] خداوند زمین را پس از مردگی اش به وسیله قائم (ع) زنده می کند، یعنی زمین به سبب کفر اهل زمین می میرد زیرا کافر مرده است. کفر و بیداد می راننده است و ایمان و عدالت زنده کننده. دولت مهدی (ع) دولت ایمان و عدالت است و آن حضرت با ایمان و عدالت زمین و اهل زمین را زنده می کند. شیخ کلینی (ره) به اسناد خود

آورده است که محمد حلبی از امام صادق (ع) درباره این آیه که خداوند فرموده است: بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. پرسش کرد و آن حضرت فرمود: [صفحه ۲۵] العدل بعد الجور. [۴] مراد، عدالت پس از بیداد است. دولت مهدی (ع) دولت عدالت تام و تمام است و از این رو دولت زنده کننده همه چیز و همه کس است. هر چیز و هر کس که استعداد زنده شدن داشته باشد به دست او و با دولت او زنده می شود. در روایتی از امام کاظم (ع) در تفسیر آیه (یحیی الارض بعد موتها). [۵] چنین آمده است: لیس یحییها بالقطر و لکن یبعث الله رجالا فیحیون العدل فتحیی الارض لاحیاء العدل، و لاقامه الحد لله انفع فی الارض من الطر اربعین صباحا. [۶] مراد، این نیست که خداوند زمین را به وسیله باران زنده می کند، بلکه خداوند مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه زمین با احیای عدالت زنده می شود، [بدانید] بر پایی حد برای خدا در زمین از چهل روز باران سودمندتر است. بنابراین این احیای زمین با عدالت و بر پا ساختن حدود الهی از نزول باران نیز با اهمیت تر و پر برکت تر است. عدالت، جن شریف و روح دین است: العدل حیاة الاحکام. [۷] عدالت حیات احکام است. [صفحه ۲۶] جامعه فاقد عدالت، جامعه ای مرده است، و سرزمین بی عدالت چون زمین خشک و کشتزار بی حاصل است. به وسیله عدالت است که زمین زنده، سرزمینها آباد و مردمان و جوامع به درستی بر پا می شوند. از امیر مومنان علی (ع) چنین نقل شده است: جعل الله سبحانه العدل قوام الانام و تنزیها من المظالم و الاثام و تسنیه للاسلام. [۸] خدای سبحان عدالت را مایه بر پایی مردمان و ستون زندگی آنان و سبب پاکی از ستم کاریها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرار داده است. مردم به عدالت مستقیم می شوند و حیات حقیقی زمانی بر مردم سایه می افکند که پرچمهای عدالت در میانشان بر پا شود. در این صورت است که ستمها زدوده و دامن آدمیان از گناهان پاک می شود. آری روشنی دین و دینداری به عدالت بسته است و چون عدالت زدوده شود چراغ اسلام خاموش گردد. بقا و سلامت جامعه به عدالت است و آنجا که عدالت نیست، انتظار پاکی و سلامت اجتماعی، انتظاری بیهوده است. روشنی اسلام به عدالت است و با خاموش شدن عدالت، اسلام چون چراغی خاموش [صفحه ۲۷] خواهد بود که با آن نمی توان راه یافت و مردمان را به سامان رساند. از همین روست که پیام آور عدالت و رسول هدایت (ص) فرموده است: عدل ساعه خیر من عبادة سبعین سنه قیام لیلها و صیام نهارها. [۹] ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد، [برتر و] بهتر است. در اندیشه دینی، عدالت شکوفا کننده فطرت ایمانی و رفتار انسانی است. از امیر مومنان (ع) چنین نقل شده است: العدل راس الایمان و جماع الاحسان. [۱۰] عدالت راس ایمان و گرد آورنده نیکی هاست. بنابراین دولتی که عدالت را در همه وجوهش بر پا می سازد (دولت مهدی)، ایمان را در معنای حقیقی و فراگیرش حاکم می کند و نیکیها را زنده می سازد. ساعتی از این دولت چنان کند که سالها عبادت نکند. شیخ کلینی (ره) به اسناد خود از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرمود: ساعه من امام عدل افضل من عبادة سبعین سنه، [صفحه ۲۸] و حد یقام الله فی الارض افضل من مطر اربعین صباحا. [۱۱] ساعتی از [دولت] پیشوای عدل برتر از عبادت هفتاد سال است، و حدی که برای خدا در زمین بر پا شود برتر از چهل روز باران است. آنچه با دولت عدالت مهدی (ع) ظهور می کند قابل بیان و توصیف نیست که ساعتی از آن دولت فرخنده چنان دلها را پاک کند و زشتیها را بزداید و همه چیز را شکو و پر بار کند که در تصور نیز ننگند. دولت مهدی (ع) چون سرمای بهاری است که هر موجودی را که شایستگی و استعداد زنده شدن و کمال یافتن داشته باشد، زنده کند و به کمال خود برساند. دم مسیحایی او زنده کننده زمین و آدمیان است. مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش زده ام فالی و فریاد رسی می آید ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس موسی اینجا به امید قبسی می آید [صفحه ۲۹] هیچ کس نیست که در کوی تو باش کاری نیست هر کس آنجا به طریق هوسی می آید کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست این قدر هست که بانگ جرسی می آید جرعه ای ده که به میخانه ارباب کرم هر حریفی ز پی ملتسمی می آید خبر بلبل این باغ مپرسید که من ناله ای می شنوم کز قفسی می آید دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است گو بران خوش که هنوزش نفسی می آید یار دارد سر صید دل حافظ یاران

شاه بازی به شکار مگسی می آید [۱۲]. مهدی بهار مردمان و خرمی زمان است: السلام علی ربیع الانام و نضره الایام. و دولت او، دولت عقل و فطرت است، دولت حیات مردمان و زمینیان است و همه را به برگ و بار می نشانند: توقوا البرد فی اوله، و تلقوه فی آخره، فانه یفعل فی الابدان کفعله فی الاشجار، اوله یحرق و آخره یورق. [۱۳] پرهیزید از سرما در آغازش (در پاییز) و استقبال کنید [صفحه ۳۰] از آن در آخرش (نزدیک بهار) زیرا در بدن ها همان می کند که با درختان می کند، در آغاز خشک می کند و در آخر برگ می آورد. ملای رومی این بیان (نقش احیا کننده سرمای بهار) را از قول رسول خدا (ص) به زیبایی تمام آورده و به باطن کلام و نقش اولیای خدا در احیای موجودات اشاره کرده است: گفت پیغمبر ز سرمای بهار تن مپوشانید یاران زینهار ز نکه با جان شما آن می کند کان بهاران با درختان می کند پس غنیمت باشد آن سرمای او در جهان بر عارفان وقت جو در بهاران جامه از تن بر کنید تن برهنه جانب گلشن روید لیک بگریزید از برد خزان کان کند کان کرد با باغ و رزان راویان این را به ظاهر برده اند هم بر آن صورت قناعت کرده اند [صفحه ۳۱] بی خبر بودند از سر آن گروه کوه را دیده، ندیده کان به کوه آن خزان نزد خدا نفس و هواست عقل و جان عین بهار است و تقاست گر ترا عقلیست جزوی در نهان کامل العقلی بجو اندر جهان جز و تو از کل او کلی شود عقل کل بر نفس چون غلی شود پس به تاویل آن بود کانفاس پاک چون بهارست و حیات برگ و تاک [۱۴]. پاورقی [۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، صححه و علق علیه و اشرف علی طبعه هاشم الرسولی المحلاتی، دار الکتب العلمیه، قم. ج ۵، صص ۲۴۳ - ۲۴۲. [۲] قرآن، حدید / ۱۷. [۳] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲. [۴] الکافی، ج ۸، ص ۲۶۷، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۳، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۳. [۵] قرآن، روم / ۱۹. [۶] الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۷۳. [۷] عبد الواحد التمیمی الامدی، غرر الحکم و درر الکلم، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۷ ق. ج ۱، ص ۲۵، حسین النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، الطبعة الثانیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق. ج ۱۱، ص ۳۱۸. [۸] غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۳۵، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۲۰. [۹] محمد بن محمد الشعیری، جامع الاخبار، تحقیق حسن المصطفوی، مرکز نشر الکتاب، طهران، ۱۳۸۲ ق. ص ۱۸۰، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۷. [۱۰] جمال الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش. ج ۲، ص ۳۰، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۹. [۱۱] الکافی، ج ۷، ص ۱۷۵. [۱۲] شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان اشعار، به اهتمام انجوی شیرازی، انتشارات محمد علی علمی، ۱۳۴۶ ش. ص ۱۱۱. [۱۳] نهج البلاغه، حکمت ۱۲۸. [۱۴] جلال الدین محمد بلخی (مولوی)، مثنوی معنوی، به اهتمام و تصحیح رینولد نیکلسون، لیدن، ۱۹۲۵ م. افست موسسه مطبوعاتی علمی، دفتر اول، ج ۱، صص ۱۲۵ - ۱۲۴.

امنیت فراگیر

دولت مهدی (ع) دولت بهار حقیقت و مردمان است. این دولت امنیتی فراگیر و همه جانبه را به ارمغان می آورد. امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی. در دولت او توحید بر همه چیز و همه کس سایه می افکند و زمین زمان به امنیت می رسد. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: یقاتلون حتی یوحدوا الله و لا یشرک به شیئا، و تخرج [صفحه ۳۲] العجوزه الضعیفه من المشرق ترید المغرب لا یوذیها احد. [۱] می جنگند تا آنکه [همه مردم] خدا را به یگانگی بپذیرند و چیزی را با او شریک قرار ندهند، و [چنان امنیتی برقرار شود که] پیرزنی ناتوان از مشرق به مغرب رود و هیچ کس آزاری به او نرساند. عدم امنیت در چهره های گوناگون آن، محصول و نتیجه شرک و بت پرستی است، و دولت مهدی، دولت زایل نده شرک در همه چهره هایش است. با زوال شرک اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، امنیتی که انسانها پیوسته در آرزوی آن به سر برده

اند، رخ می نماید. زمین و زمان به آرامش می رسند و بارور می شوند. شیخ صدوق (ره) به اسناد خود از امام صادق (ع) از پدران گرامیش از امیر مومنان (ع) روایت کرده است که فرموده: و لو قدم م قائمنا لانزلت السماء قطرها، و لا خرجت الارض نباتها، و لذهبت الشحاء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم، حتی تمشی المراه بین العراق الی الشام، لا تضع قدمیها الا علی النبات و علی [صفحه ۳۳] راسها زینتها و لا یهیجها سبع و لا تخافه. [۲] روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه ها از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهار پایان با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز نمایند. تا آنجا که زنی از عراق تا شام را پیماید و جز بر سبزه زار گام نگذارد و زینت و آرایش خود را بر سر داشته باشد [و کسی به آن طمع ننماید] و هیچ درنده ای او را آشفته نسازد و او نیز از هیچ چیز نهراسد. مهدی (ع) با قیام به عدالت و رفع موانع هدایت، راه عبودیت الله را بتمامه می گشاید و با تامین نیازهای گوناگون انسان - اعم از مادی و معنوی - سیر کمال آدمیان را تدارک می کند، زیرا ابتدایی ترین نیازهای انسان، نیازهای مادی و معیشتی اوست و بلافاصله نیازهای دیگری که تامین آن نیازها در حرکت کمالی انسان نقش اساسی دارد. امام صادق (ع) فرموده است: ثابته یحتاج الناس طرا الیها: الامن و العدل و الحصب. [۳] سه چیز است که همه مردمان بدان محتاجند: امنیت، عدالت و فراوانی. [صفحه ۳۴] قرآن کریم در بحث از نیازهای انسان برای سیر، این حقیقت را گوشزد کرده است: الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف. [۴] اوست کسی که آنان را از نظر معیشت تامین کرد و از ترس امانشان داد. تامین معیشت انسان، تدارک نخستین گامها در مسیر حرکت است که بدون آن و فارغ از اندیشه و تلاش در جهت عدالت اجتماعی، مقدمه لازم برای سیر او فراهم نمی شود، چنانکه امام صادق (ع) به مفضل فرمود: و اعلم یا مفضل ان راس معاش الانسان و حیاته الخبز و الماء. [۵] مفضل - بدن که راس و اساس معیشت انسان و زندگی او نان است و آب. و پیامبر عدالت و دعوت کننده به عبودیت فرمود: اللهم بارک لنا فی الخبز و لا تفرق بیننا و بینه فلولوا الخبز ما صلینا و لا صمنا و لا ادینا فرائض ربنا. [۶] خدایا به نان ما برکت عنایت فرما و میان ما و نان جدایی میفکن، زیرا اگر نان نباشد، نه نماز گزاریم و نه روزه داریم و نه واجبات الهی را ادا کنیم. [صفحه ۳۵] مردمان برای رشد و تعالی نیازمند امنیت، عدالت و فراوانی هستند و این معنا در دولت مهدی (ع) در حد آرمانی خود تحقق می یابد. در آن روز برکات زمین و آسمان بر مردمان گشوده می شود: [۷] و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض. [۸] اگر مردم جوامع ایمان آوردند و تقوا پیشه کنند، هر آینه برکتها از آسمان و زمین بر آنان بگشاییم. دولت مهدی (ع)، دولت ایمان مردمان و تقوا پیشگی است، پس وعده خدا در آن روز تحقق کامل یابد و نیکیها و نعمتها فراگیر شود، باران رحمت ببارد و زمین بی دریغ نعمتهای خود را در اختیار مردمان گذارد و کینه از دلها زدوده شود و امنیت در همه ابعادش ظهور یابد و به سبب عدالت همگان بی نیاز شوند که امام کاظم (ع) فرموده است: لو عدل فی الناس لاستغنوا. [۹] چنانچه در میان مردم عدالت جاری شود، بی نیاز گردند. [صفحه ۳۶] پاورقی [۱] منتخب الاثر، ص ۳۰۸ (از ینابیع الموده)، با مختصر اختلاف: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ (از تفسیر العیاشی). [۲] الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، منتخب الاثر، ص ۴۷۴. [۳] ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ ق. ص ۲۳۶. [۴] قرآن، قریش / ۴. [۵] بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۷، محمد الخلیلی، من امالی الامام الصادق و هو شرح ما املاه الامام (ع) علی تلمیذه المفضل بن عمر الجعفی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ ق. ج ۱، ص ۳۰۵. [۶] الکافی، ج ۵، ص ۷۳، ج ۶، ص ۲۸۷، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷. [۷] قطب الدین ابو الحسین سعید بن هبه الله الراوندی، الخرایج و الجرایح، تحقیق و نشر موسسه الامام المهدی (ع)، قم، الطبعة الثانیه، موسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ج ۲، صص ۸۵۰ - ۸۴۹. [۸] قرآن، اعراف / ۹۶. [۹] الکافی، ج ۱، ص ۵۴۲، ج ۲، ص ۵۶۸.

بی نیازی مردمان به سبب تحقق عدالت تام و تمام و فراوانی و عمران و آبادی در اوج کمال و تقسیم اموال به مساوات، از مشخصات سیرت اقتصادی مهدی (ع) است. آن حضرت تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را زیر پای می گذارد و محو و نابود می کند، از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع. [۱] زمانی که قائم ماقیام کند، قطائع از بین می رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود. زمینهایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده یا واگذار کرده اند و در حقیقت متعلق به امام (ع) است، در جایگاه خود قرار می گیرد. استثمار و استعمار پایان می پذیرد. همگان به رفاه و آسایش می رسند. مهدی (ع) اموال را به وفور در اختیار مردمان می گذارد. نعمانی (ره) به اسناد خود از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: تجمع الیه اموال الدنيا من بطن الارض و ظهرها، فيقول للناس: تعالوا الی ما قطعتم فیہ الارحام، و سفکتهم فیہ الدماء الحرام، و رکبتم فیہ ما حرم الله [صفحه ۳۷] عز و جل، فیطعی شیئا لم یعطه احد کان قبله، و یملا الارض عدلا و قسطا و نورا کما ملئت ظلما و جورا و شرا. [۲] تمام اموال زمین - آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین است - نزد مهدی (ع) گرد آید، آن گاه او به مردمان گوید: بیایید و این اموال را بگیرید. اینها همان چیزهایی است که به خاطرش قطع رحم کردید و خونها به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید. او دست به بخشش زند و آن قدر ببخشد که تا آن روز کسی چنان بخششی نکرده باشد. و زمین را لبریز از عدالت و داد و نور گرداند همان گونه که لبریز از ستم و بیداد و شر شده باشد. مهدی (ع) همگان را بی نیاز می کند که در دولت او زمین همه استعدادهای خود را بروز می دهد و داراییها انبوه می شود. از رسول خدا (ص) چنین روایت شده است: تنعم فیہ امتی نعمه لم یعموا مثلها قط توتی الارض اکلها و لا تدخر منهم شیئا و المال یومئذ کدوس، یقم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی فیقول: خذ. [۳] در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که [صفحه ۳۸] هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد، زمین بتمامه محصول دهد و هیچ را از آنان دریغ ندارد، و اموال انبوه شود. هر کس نزد مهدی آید و گوید: به من مالی ده - مهدی بی درنگ گوید: بگیر. آن حضرت اموال را به مساوات میان مردم تقسیم می کند تا همگان از دغدغه نیازمندی آزاد شوند. ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) چنین نقل کرده است: ابشرکم بالمهدی... یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض یقسم المال صحاحا. فقال له رجل: و ما صحاحا؟ قال: السویه بین الناس. [۴] شما را مژده می دهم به آمدن مهدی... ساکنان آسمان و زمین از او راضی هستند و مهدی مال را به طور صحیح تقسیم می کند. مردی از پیامبر پرسید: به طور صحیح یعنی چه؟ رمود: یعنی به مساوات میان مردم تقسیم می کند. عبد الله بن مسعود نیز از پیامبر (ص) روایت کرده است که در این باره فرمود: یقسم المال بالسویه و یجعل الله الغنی فی قلوب هذه الامه. [۵]. [صفحه ۳۹] مهدی مال را به مساوات تقسیم می کند و قلبهای امت محمد را لبریز از بی نیازی خواهد کرد. در نتیجه تحقق سیرت اقتصادی مهدی (ع)، نیازمندی باقی نمی ماند تا به او زکات داده شود. امام باقر (ع) فرمود: یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجا الی الزکاه. [۶] مهدی اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می کند که دیگر نیازمندی یافت نمی شود تا به او زکات دهند. بی نیازی اقتصادی در دولت مهدی (ع) تا بدانجاست که دلهای امت محمد (ص) لبریز از بی نیازی می شود و حرص به داشتن و گنجینه کردن و انبوه ساختن زدوده می شود و چون مهدی (ع) ندا دهد که هر کس مالی می خواهد بیاید و بگیرد، جز یک نفر پیدا نشود و او نیز پشیمان گردد و مال بر گرفته را باز گرداند. [۷] مهدی (ع) بی دریغ و بی شمارش بخشش می کند چنانکه در خبر جابر بن عبد الله از رسول اکرم (ص) روایت شده است: یقسم المال و لا یعده. [۸]. [صفحه ۴۰] اموال را بدون آنکه شمارش نماید تقسیم می کند. بدین ترتیب مردمان با همه وجود و از صمیم قلب از داشتن و گنجینه کردن و انبوه سازی، احساس بی نیازی می کنند همان گونه که پیامبر اکرم (ص) نوید آن را داده است: یملا- الله قلوب امه محمد (ص) غنی و یسعهم عدله. [۹] دلهای پیروان محمد (ص) را لبریز از بی نیازی می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد. اذا خرج المهدی القی الله الغنی فی قوب العباد. [۱۰] زمانی که مهدی قیام کند، خداوند در قلب بندگان بی نیازی افکند. در نظام اقتصادی که مهدی (ع) بر پا می سازد، روابط اقتصادی چنان است که در معاملات سودی گرفته

نمی شود. علی بن سالم از پدرش نقل کرده است که گفت از امام صادق (ع) پرسیدم: این روایت که سود گرفتن مومن از مومن رباست معنایش چیست؟ حضرت فرمود: ذاک اذا ظهر الحق و قام قائمنا اهل البيت و اما [صفحه ۴۱] اليوم فلا باس بان یبیع من الاخ المومن و یربح علیه. [۱۱] این به هنگام ظهور حق و قیام قائم اهل بیت است، اما اکنون اگر کالایی بفروشد و سود بگیرد اشکالی ندارد. دولت مهدی (ع) بر اساس چنین روابط و مناسبات اقتصادی، شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و همه جا را عمران و آباد می سازد. محمد بن مسلم گوید از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود: یربغ سلطانه المشرق و المغرب... فلا یبقی فی الارض خراب الا قد عمر. [۱۲] دولت مهدی شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و در سر تا سر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت. ظهور برکات و مناسبات عادلانه در دولت مهدی (ع) چنان است که حتی مردگان آرزوی بازگشت به دنیا و زندگی در دولت کریمه او و در سایه سیرت او را خواهند داشت. ابوسعید خدری از رسول اکرم (ص) نقل کرده است که فرمود: لا تدخر الارض من بذرها شیئا الا اخرجه و لا [صفحه ۴۲] السماء من قطرها شیئا الا صبه الله علیهم مدرارا... تتمنی الاحیاء الاموات مما صنع الله عز و جل باهل الارض من خیره. [۱۳] زمین آنچه از برکات در دل خود دارد، بیرون می ریزد و آسمان نیز از بارش خود چیزی فرو گذار نکرده، پیوسته بر آنان می بارد... از بس خدای بزرگ برای مردم خیر پیش می آورد، مردگان آرزوی بازگشت به زندگی می کنند. سیرت مهدی (ع) مطلوب دلها و دولت مهدی (ع) حد نهایی رضایت انسانهاست. نه تنها انسانها که زمین و آسمان و همه موجودات از دولت و سیرت او رضایت مندند. در حدیث حدیفه بن یمان از پیامبر (ص) آمده است: یرضی بخلافته اهل السماوات و الارض و الطیر فی الجو. [۱۴] از خلافت و دولت او، اهل آسمان و زمین و پرندگان آسمان راضی خواهند بود. پاورقی [۱] ابو العباس عبد الله بن جعفر الحمیری القمی، قرب الاسناد، مکتبه نینوی الحدیثه، طهران، ص ۴۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹. [۲] غیبه النعمانی، صص ۲۳۸ - ۲۳۷، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱. [۳] ابو عبد الله محمد بن یزید القزوینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبد الباقي، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ ق. ج ۲، ص ۱۳۶۶، ابو عبد الله محمد بن عبد الله الحاکم النیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، دار المعرفه، بیروت ج ۴، ص ۵۵۸، ابو عبد الله محمد بن یوسف الکنجی الشافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)، قدم له و علق علیه محمد مهدی الخراسان، موسسه الهادی للمطبوعات، قم، ۱۳۹۹ ق. ص ۱۰۹، نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۲ ق. ج ۷، ص ۳۱۷، کشف الغمه، ج ۲، صص ۴۷۹ - ۴۷۸، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸. [۴] ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، مسند، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۳، ص ۳۷، البیان، ص ۱۲۳، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۳، بحار الانوار، ج ۵۱، صص ۹۲، ۸۱، منتخب الاثر، ص ۱۴۷. [۵] کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۴، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴. [۶] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰. [۷] مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷، البیان، ص ۱۲۳، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱، رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن طاووس، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر (عج)، الطبعة السادسة، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق. ص ۷۱، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۳، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱، منتخب الاثر، ص ۱۴۷. [۸] ابو الحسین مسلم بن الحجاج القشیری، صحیح مسلم، بشرح النووی، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق. ج ۱۸، ص ۳۹. [۹] مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷، البیان، ص ۱۲۳، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۳، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱، منتخب الاثر، ص ۱۴۷. [۱۰] الملاحم و الفتن، ص ۷۱. [۱۱] ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، من لا یحضره الفقیه، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، الطبعة الثانیه، منشورات جماعه المدرسین، قم، ج ۳، ص ۳۱۳، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۹۰ ق. ج ۷، ص ۱۷۸، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۴. [۱۲] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، منتخب الاثر، ص ۴۸۲ (با مختصر اختلاف). [۱۳] مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۴۶۵، منتخب الاثر، ص ۱۴۶، البیان، صص ۱۰۹ - ۱۰۸ (با مختصر اختلاف). [۱۴] البیان، ص ۱۱۸.

سیرت فرهنگی

تحقق این دولت و ظهور چنین مناسباتی، نتیجه و محصول تحولی اساسی در درون انسانهاست. با ظهور [صفحه ۴۳] دولت عدالت و رفع همه موانع تربیت، خردها به کمال می رسد و اخلاق نیکو کامل می شود. ابوخالد کابلی از امام باقر (ع) درباره تحول مبارکی که در خرد و اخلاق مردمان به دست مهدی (ع) صورت می گیرد، چنین روایت کرده است: اذا قام قائمنا وضع یده علی رووس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم. [۱] چون قائم ما قیام کند، دست خود را روی سر بندگان می گذارد و بدین ترتیب خردهای مردمان را به کمال می رساند و اخلاقتشان را کامل می کند. اصلاح روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جز در پرتو تربیتی الهی ممکن نمی شود، تربیتی که اساس آن بر رشد و اکمال خردها و فرزاندگی مردمان قرار گرفته باشد. در خبری دیگر از امام باقر (ع) در این باره آمده است: اذا قام قائمنا وضع یده علی رووس العباد، فجمع بها عقولهم و کملت بها احلامهم. [۲] چون قائم ما قیام کند دست خود را روی سر مردمان می گذارد و بدین وسیله خردهای بندگان را به کمال می رساند و فرزاندگی آنان را تمام می نماید. [صفحه ۴۴] بدین ترتیب در دولت مهدی (ع)، سیرت تربیتی آن حضرت چنین است که با تأیید الهی، خردهای مردمان را به کمال رساند و فرزاندگی را در آنان تمام نماید، [۳] و در نتیجه با این انقلاب فرهنگی، آرمانهای اصلاحی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق یابد و ریشه دار گردد و پا بر جا بماند. انقلاب فرهنگی در دولت مهدی (ع) چنان عمیق و فراگیر است که همه مردم علم و حکمت می آموزند، همگان با کتاب خدا و سنت پیامبر بر اساس فهمی عمیق آشنا می شوند تا جایی که زنان در خانه ها را اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کنند. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: توتون الحکمه فی زمانه حتی ان المراه لتقضی فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله (ص). [۴] در دولت مهدی (ع) به همه مردم علم و حکمت می آموزند تا آنجا که زنان در خاه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند. بی گمان هیچ انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی اساسی، راه به جایی نخواهد برد و انقلابی عظیم چون انقلاب مهدی (ع) و تاسیس دولتی با آن [صفحه ۴۵] ویژگیها که یاد شد، نیازمند انقلابی بزرگ در فرهنگ و آموزش و تربیت است. نظام الهی بر خرد و بصیرت و دانش استوار است و سلامت جوامع و آبادی سرزمینها، در معنای تام آن، بر معرفت و علم تام استوار است. از این رو در عصر حاکمیت مهدی (ع) تحولی شگفت در علم و دانش رخ می نماید و درهای همه معرفت ها و دانشها به روی مردمان گشوده می شود. امام صادق (ع) فرموده است: العلم سبعة و عشرون حرفا فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفا فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين، حتى يثبتها سبعة و عشرين حرفا. [۵] علم و دانش بیست و هفت حرف است و تمام آنچه پیامبر برای مردم آورده اند، دو حرف بیش نبوده است و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته اند اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می سازد. رشد و شکوفایی علم و دانش در دولت مهدی (ع) تا آنجاست که یاران آن حضرت بدون هیچ واسطه ای با امام سخن می گویند و او را می بینند. در حدیثی از [صفحه ۴۶] امام صادق (ع) در این باره آمده است: ان قائمنا اذا قام مد الله لشيئتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید یکلمهم فیسمعون و ينظرون اليه و هو فی مکانه. [۶] هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند چندان نیرو به گوش و چشم شیعیان ما می دهد که میان آنان و قائم قاصدی نخواهد بود، قائم با آنان سخن می گوید و ایشان نیز صدای او را همان جا که هست می شنوند و به او نگاه می کنند. تحول فرهنگی در دولت مهدی (ع)، همه ابعاد وجودی مردمان را متحول می کند و از نقص به کمال می رساند. حتی بیماریها و ضعفها و ناتوانایی های مردمان برطرف می شود، مردمان خردمند، فرزانه، حکیم، عالم، سالم و قوی می شوند. امام باقر (ع) فرموده است: من ادرك قائم اهل بيتي من ذی عاهه برا و من ذی ضعف قوی. [۷] هر کس قائم ما اهل بیت را ببیند، اگر بیماری داشته باشد بهبود می یابد و چنانچه ضعیف باشد نیرومند می گردد. [صفحه ۴۷] پاورقی [۱] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

(از الخرائج و الجرایح). [۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸. [۳] اذا قام قائمنا وضع الله يده على رويس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم. امام باقر (ع)، الكافي، ج ۱، ص ۲۵. [۴] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲ (از غيبه النعماني). [۵] همان، ص ۳۳۶. (از الخرائج و الجرایح). [۶] همان. [۷] همان، ص ۳۳۵ (از الخرائج و الجرایح).

سیرت اجتماعی

در پر تو سیرت فرهنگی مهدی (ع) روابط اجتماعی سامانی دیگر می یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می شود و دوستی و رحمت قلبها را پر می سازد و مساوات و موازات اجتماعی جلوه می کند. کسی به کسی ستم روا نمی دارد و یاری و دستگیری یکدیگر، واجبی همگانی می شود چنانکه در خبر اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) آمده است: انما ذلك اذا قام قائمنا و جب عليهم ان يجهزوا اخوانهم و ان يقوهم. [۱] این به هنگام ظهور قائم ما است که در آن روزگار واجب همگانی است که به یکدیگر وسائل زندگانی برسانند و نیرو بخشند. در آن دوران حرص و بخل در روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و یکرنگی و یگانگی چنان بر رفتار اجتماعی حاکم شود که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب برادرش بردارد، نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. چنین رابطه و پیوندی میان برادران ایمانی، از ویژگیهای سیرت اجتماعی آن دوران است. برید عجلی گوید به امام باقر (ع) گفته شد که در این [صفحه ۴۸] زمان شیعیان و پیروان شما در کوفه جمعیتی کثیر محسوب می شوند و چنانچه ایشان را فرمان دهی [تا قیام کنند و به مبارزه برخیزند] اطاعت کنند و پیروی نمایند. امام (ع) فرمود: آیا روابط اجتماعی آنان بدین گونه است که کسی از ایشان [در وقت نیاز] سر جیب برادرش رود و نیاز خود برگیرد؟ گفتند: خیر، چنین نیست. امام (ع) فرمود: پس آنان به خون خود بخیل تر خواهند بود. آن گاه امام (ع) درباره روابط اجتماعی در عصر امام زمان (ع) فرمود: اذا قام القائم... ياتي الرجل الي كيس اخيه فياخذ حاجته لا يمنعه. [۲] زمانی که قائم ما قیام کند، کسی [که نیاز دارد] به سر جیب برادرش می رود و نیاز خود را بر می گیرد و او نیز مانعش نمی شود. البته رسیدن به این مرز از روابط اجتماعی، خود محصول رشد عقلی و تکامل روح آدمی است. اگر اهل ایمان به رشد و کمال برسند جز این نخواهند بود. امام باقر (ع) به سعید بن حسن فرمود: ای جیء احدکم الی اخیه فیدخل یده فی کیسه فیاخذ حاجته فلا یدفعه؟ فقلت: ما اعرف ذلك [صفحه ۴۹] فینا. فقال ابو جعفر (ع): فلا شیء اذنا. قلت: لهلاك اذا؟ فقال: ان القوم لم يعطوا احلامهم بعد. [۳] آیا این گونه است که کسی از شما نزد برادر دینی خود برود و دست در جیب او ببرد و هر چه لازم دارد بردارد و او مانع نشود؟ راوی گوید گفتم: چنین چیزی را میان خودمان نمی بینیم. امام فرمود: چیزی از حقیقت تشیع تحقق نیافته است. راوی گوید: آیا با این وضع سرنوشت ما هلاکت است؟ فرمود: مردم هنوز به رشد عقلی نرسیده اند. یعنی عقلشان کامل نشده است و هنوز به آن مرتبه از کمال نرسیده اند که چنین تکلیفی را حمل کنند، [۴] ولی در دولت مهدی (ع) این مرتبه از کمال انسانی و اجتماعی تحقق می یابد. اخلاق اجتماعی در آن زمان بر مبنای سلامت نفس ها و پاکی دلها ظهور می یابد. [۵] امانتها به درستی ادا می شود. [۶] امنیت اجتماعی در حد نهایی فراهم می شود. [۷] مردم به عبادت‌های اجتماعی - از سر ایمان و تقوا - روی می آورند. [۸] حقوق اجتماعی در همه امور رعایت می شود و هیچ گونه ستم اجتماعی بر کسی روا نمی شود. [۹] حدیث امام صادق (ع) گویای این حقیقت در سیرت اجتماعی [صفحه ۵۰] مهدی (ع) است: اول ما يظهر القائم من العدل ان ینادی منادیه ان یسلم صاحب الناه لصاحب الفریضه الحجر الاسود و الطواف. [۱۰] نخستین ظهور عدالت قائم آن است که سخنگویان او در مکه فریاد می کنند که هر کس نماز واجب خود را در کنار حجر الاسود و محل طواف خوانده است و می خواهد نافله بخواند، به کناری رود تا حق دیگران پایمال نشود. و آنان که می خواهند نماز واجب بخوانند، بیایند و بخوانند. پاورقی [۱] وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۵. [۲] محمد بن النعمان البغدادی الملقب بالمفید، الاختصاص، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، منشورات جماعه المدرسین، قم، ص ۲۴. [۳] الكافي، ج ۲، ص ۱۷۴، بحار الانوار، ج ۷۴، صص ۲۵۵ - ۲۵۴. [۴] ر. ک: محمد باقر المجلسی، مرآه

العقول فی شرح اخبار آل الرسول، اخراج و مقابله و تصحیح السید هاشم الرسولی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش. ج ۹، ص ۴۶. [۵] ر. ک: الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، منتخب الاثر، ص ۴۷۴. [۶] ر. ک: منتخب الاثر، ص ۴۷۴. [۷] ر. ک: الارشاد، ص ۳۴۳، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵، بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۳۸، ۳۱۶، منتخب الاثر، ص ۴۷۴. [۸] ر. ک: منتخب الاثر، ص ۴۷۴. [۹] ر. ک: همان، ص ۴۷۰. [۱۰] الکافی، ج ۴، ص ۴۲۷.

سیرت مدیریتی

بدین ترتیب با ظهور دولت مبارک مهدی (ع)، سیرت مدیریتی او بر اساس عدالت محض جلوه می کند. آن حضرت در اداره امور از نظر اقتصادی گشاده دست است و اموال را برای آسایش و رفاه مردمان با سخاوت به کار می گیرد و نسبت به محرومیت کشیدگان و مسکینان، مهربان و دل رحم است و برای آنکه ذره ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نرود و حقی ضایع نشود، نسبت به مسئولان و کارگزاران خود سختگیر است. دولت او دولت عدالت محض [صفحه ۵۱] است، پس جای هیچ گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سختگیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است. [۱] در خبری در این باره آمده است: المهدی جواد بالمال رحیم بالمساکین شدید علی العمال. [۲] مهدی نسبت به مال و دارایی بخشنده است و نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سختگیر است و نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار دلرحم و مهربان است. مهدی (ع) بر اساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می دهد و همه افکار و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد و نشان می دهد که حکومت عدل یعنی چه. او برای حفظ این اساس، مسئولان و کارگزاران ستمگر را با دقت مواخذه می نماید و هر که را پا از سیرت عدالت بیرون نهاده است، به سختی مجازات می نماید، امیر مومنان (ع) درباره دولت و سیرت مهدی (ع) چنین خبر داده است: يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى، و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن [صفحه ۵۲] على الراى... الا وفى غد - و سیاتی غد بما لا تعرفون - یاخذ الوالی من غیرها عمالها علی مساویء اعمالها، و تخرج له الارض افالید کبدها، و تلقى الیه سلما مقالیدها، فیریکم کیف عدل السیره، و یحیی میت الکتاب و السنه. [۳] [چون مهدی ظهور کند] خواهش های نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع هوا ساخته اند، و رای آنان را پیرو قرآن کند، و آن هنگامی است که قرآن را تابع رای خود کرده اند... آگاه باشید که فرا - و فردا پس از این با چیزهایی که نمی شناسید می آید - کسی بر شما حکومت خواهد کرد که غیر از خاندان حکومت هاست، او مسئولان و کارگزاران را به جرم کردار زشتشان کیر خواهد کرد. زمین گنجینه های خود را برای او خارج خواهد ساخت و کلیدهایش را تسلیم وی خواهد نمود. آن گاه است که مهدی به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل کدام است؟ او کتاب و سنت را که پیش از او مرده اند، زنده خواهد ساخت. مهدی (ع) در اداره امور برای حفظ عدالت و حقوق مردمان و حیثیت دین، به روشی نو و مناسب با عصر [صفحه ۵۳] خود و تحولاتی که در طول تاریخ رخ داده است تا مردمان به آن نقطه رسیده اند، عمل می کند. در قضاوت ها و احکام مهدی، و در حکومت وی، سر سوزنی ظلم و بیداد بر کسی نرود، و رنجی بر دلی ننشیند. مهدی (ع) بر طبق احکام خالص دینی (بدون توجه به آرا و انکار دیگران و فقها و علمای مذاهب)، حکم و حکومت می کند. مهدی، میزان عدل را، در میان مردم نهد، و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری ستمی کند. مهدی، قضاوتی جدید آورد... مهدی، به حکم داوود و آل داوود حکم کند، و از مردم بینه و شاهد نطلبد. شیخ مفید، می گوید: چون قائم آل محمد (ص) قیام کند، مانند حضرت داوود (ع)، یعنی بر حسب باطن، قضاوت کند، و بی هیچ نیازی به شاهد حکم دهد. مهدی نقشه های پنهانی هر گروه را بداند و به آنان، آن نقشه ها را بگوید. مهدی، دوست و دشمن خود را، با نگاه بشناسد. [۴] در روش زمامداری مهدی (ع) میان او و مردمش هیچ فاصله و حجابی نیست، به گونه ای که آن حضرت با آنان سخن می گوید و ایشان نیز صدای او را همان جا

که هست می شنوند و به او نگاه می کنند. [۵]. [صفحه ۵۴] پاورقی [۱] ر. ک: محمد الصدر، تاریخ ما بعد الظهور، الطبعة الثانية، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۸ ق. ص ۵۲۲. [۲] منتخب الاثر، ص ۳۱۱. [۳] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸. [۴] خورشید مغرب، صص ۴۲ - ۴۱. [۵] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶ (از الخراج و الجرایح).

سیرت فردی

زامداری که با قدرت تمام به عدالت بر شرق و غرب جهان حکم می راند و برکات زمین و آسمان بر دولت و گشوده می شود و زمین گنجینه های خود را برای او خارج ساخته کلیدهایش را تسلیم وی می کند، در نهایت زهد و ساده زیستی زندگی می کند واز سیرت ساده زیستی که پدرانش بدان پایبند بودند، خارج نمی شود. در خبر ابوبصیر از امام صادق (ع) این گونه آمده است: فوالله ما لباسه الا الغلیظ و لا طعامه الا الجشب. [۱] به خدا سوگند که لباس مهدی جز پوشاکی درشت و خوراک او جز خوراکی سخت و بی خورش چیزی دیگر نخواهد بود. همین خبر از طرق دیگر نیز با مختصر اختلاف روایت شده است. [۲] و گویای آن است که علی رغم رفاه همگانی و بی نیازی همه مردمان، مهدی (ع) به سیرت ساده زیستی عمل می کند و از اصل زهد دور نمی شود. [۳] امیر مومنان (ع) درباره جایگاه زهد در دین و دینداری فرموده است: [صفحه ۵۵] الزهد اصل الدین. [۴] زهد اصل دین است. الزهد اساس الیقین. [۵] زهد اساس یقین است. با وجود دل بستگی به دنیا، اصلاحی صورت نمی گیرد و همه مصلحان الهی، زاهد بوده، از دل بستگی به دنیا آزاد بوده اند چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: ما اتخذ الله نبیا الا زاهدا. [۶] خداوند هیچ پیامبری را برنگزید مگر آنکه زاهد بود. آن امام حق در رفتار خود از هر گونه تکلفی بری است که از رسول خدا (ص) روایت شده است: نحن معاشر الانبیاء و الامناء و الاتقیاء براء من التکلف. [۷] ما گروه پیامبران و امنای پروردگار و پرهیزگاران از تکلف به دور هستیم. سلام بر دولت او و سیرت او. اللهم انصره و انتصر به لدینک. خدایا، یارایش کن و به دست او دینت را پیروز گردان. [صفحه ۵۶] و انصر به اولیاءه و شیعته و انصاره و اجعلنا منهم. خدایا، دوستان خود را و دوستان او و پیروان و یارانش را به وسیله او یاری نما و ما را نیز از آنان قرار ده. و اظهر به العدل، و ایده بالنصر، و انصر ناصریه، و اخذل خاذلیه، و اقصم قاصمیه، و اقصم به جباره الکفر، و اقتل به الکفار و المنافقین و جمیع الملحدين، حیث كانوا من مشارق الارض و مغاربها، برها و بحرها. خدایا، به دست او عدالت را آشکار ساز، و با نصرت خود تائیدش نما، و یاورانش را یاری کن، و آنان را که وانهادش یاری مکن، و کوبندگانش را درهم کوب، و زورمداران کفر را به دست او درهم شکن، و کافران و منافقان و همه بی دینان را، به وسیله او نابود ساز، در هر کجا که باشند: در مشرق و مغرب زمین، در خشکی یا دریا. و املاء به الارض عدلا، و اظهر به دین نبیک صلی الله علیه و آله. خدایا، به دست او زمین را از عدل پر کن و دین پیامبرت (ص) را آشکار فرما. [صفحه ۵۷] و اجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعته. [۸] خدایا، مرا از یاوران و پشتیبانان و پیروان و شیعیان قرار ده. پاورقی [۱] غیبه النعمانی، ص ۲۳۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، منتخب الاثر، ص ۳۰۷، بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۵۹، ۳۵۵. [۲] ر. ک: غیبه النعمانی، ص ۲۳۴، غیبه الطوسی، ص ۲۷۷، منتخب الاثر، ص ۳۰۷، بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۳۵۹، ۳۵۵. [۳] درباره اصل زهد و اصل ساده زیستی ر. ک: همین مولف، سیره نبوی (منطق عملی)، دفتر اول، سیره فردی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ ش، صص ۲۵۱ - ۱۵۵. [۴] غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۹. [۵] همان، ص ۳۰. [۶] مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۵۱. [۷] مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ ق. صص ۱۴۱ - ۱۴۰، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۹۴. [۸] زیارت آل یس، مفاتیح الجنان، صص ۹۶۱ - ۹۶۰.

سلام اللہ علیہا
نور فاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org